

سؤال:

Question:

What is the peak of man's ascent to divine proximity and absolute perfection?

اوج صعود انسان به قرب الهی و کمال مطلق چیست؟

جواب:

Answer:

Man, with all his intellectual and scientific powers, has a very limited understanding of the world and its concepts. For this reason, when it comes to the greatness at the divine level, our understanding reflects only a shadow of the truth. Whatever we see and measure is insignificant compared to the vastness and splendour of creation.

انسان، با همه توان عقلانی و علمی، درکی بسیار محدود از جهان و مفاهیم دارد. به همین دلیل، وقتی سخن از «عظمت» در سطح الهی می‌شود، فهم ما تنها سایه‌ای از حقیقت را بازتاب می‌دهد. هرچه می‌بینیم و می‌سنجیم، در برابر وسعت و شکوه آفرینش، ناچیز است.

In the Quran, when God says, "And indeed, you are of a great character" (Qalam: 4), He measures the greatness of the Prophet's character not by human standards, but by the standard of His absolute truth and infinite knowledge.

در قرآن، هنگامی که خداوند می‌فرماید: «وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ» (قلم/۴)، عظمت خُلق پیامبر را نه با معیارهای بشری، بلکه با معیار حقیقت مطلق و علم بی‌پایان خود می‌سنجد.

In the Quran, God has mentioned many great acts of worship and deeds: prayer, fasting, Hajj, jihad, zakat, etc., but for none of these acts of worship has the term "great" been used as a direct adjective.

در قرآن، خداوند بسیاری از عبادات و اعمال بزرگ را یاد کرده است: نماز، روزه، حج، جهاد، زکات و... اما برای هیچ‌یک از این عبادات، تعبیر «عظیم» به‌عنوان صفت مستقیم به‌کار نرفته است.

Allah has only used the word "great" once for a human characteristic, and that too regarding the character of the Prophet. This choice has several fundamental messages:

خداوند تنها یک‌بار برای ویژگی انسانی، واژه «عظیم» را به‌کار برده و آن هم درباره اخلاق پیامبر است. این انتخاب، چند پیام بنیادین دارد:

- Morality is the essence of religion.
- External acts of worship without true morality are a brainless shell.
- Good morality is what brings the spirit of worship to life.
- The Prophet's character was a reflection of divine attributes.
- The greatness of morality, in God's eyes, is superior to the mere abundance of acts of worship.

- اخلاق جوهره دین است.
- عبادت‌های ظاهری بدون اخلاق حقیقی، پوسته‌ای بی‌مغز است.
- اخلاق نیکوست که روح عبادات را زنده می‌کند.
- خلق پیامبر انعکاس صفات الهی بود.
- عظمت اخلاق، از نگاه خداوند، برتر از صرف کثرت عبادات است.

- If acts of worship do not lead to morality, they do not complete the divine purpose; however, good morality can bring man closer to God even in the absence of some external acts of worship.

In the logic of revelation, true greatness is reserved only for absolute and divine matters. The fact that God placed the Prophet's "character" alongside these concepts indicates the position in which good morality can bring man to a position of divine closeness and absolute perfection. From this perspective, "great morality" is not an ordinary virtue, but the peak of man's ascension.

- عبادات اگر به اخلاق منجر نشوند، هدف الهی را کامل نمی‌کنند؛ اما اخلاق نیکو حتی در غیاب برخی عبادات ظاهری می‌تواند انسان را به قرب الهی برساند.

در منطق وحی، عظمت واقعی تنها به امور مطلق و الهی اختصاص دارد. این که خداوند «خُلُق» پیامبر را در کنار این مفاهیم قرار داده، نشان از جایگاهی دارد که اخلاق نیکو می‌تواند انسان را به جایگاه قرب الهی و کمال مطلق برساند. از این منظر، «خلق عظیم» نه یک فضیلت عادی، بلکه اوج قوس صعود انسان است.